

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شعر از لاهوتی
فرستنده: جاوید
۰۸ مارچ ۲۰۱۸

[رسام و شاعر]

گفتمش: در شعله ، یک شمشیر می باید کشید!
گفتمش: رنگین به خون ، زنجیر می باید کشید
گفت: وصفش گوی . گفتم: شیر می باید کشید
گفتمش: آهن گذر* یک تیر می باید کشید
گفت: مویت را چه؟ گفتم: پیر می باید کشید
گفتم: آری ، مهر عالمگیر می باید کشید
گفتمش: پا تا به سر پامیر می باید کشید
گفتمش: بیرون ز هر تصویر می باید کشید
گفتمش: بی آخر این را دیر می باید کشید

گفت رسام: از تو چون تصویر می باید کشید؟
گفت: اگر بگذشته ات آید به پادم ، چون کنم؟
گفت: پس کی پاره کرد آن بند را؟ گفتم: لنین
گفت: نوکِ خامه ات را ، در چه احوالی کشم؟
گفت: طبعت را چه سان رنگی دهم؟ گفتم: جوان
گفت: بر سر سایه از لطفِ وطن آرم تو را؟
گفت: از قدِ وفای خود به ملت ، شرح ده
گفت: عزم رزم تو به ضدِ بد خواهِ وطن؟
گفت: لاهوتی! دم از خوشبختی میهن بزن

ستالین آباد، ۱۹۴۲

* آهن گذر یک تیر: تیری در حال گذشتن از آهن